باسمه تعالی

درس املاء	نام آموزشگاه	نوبت دوم	وقت : ۵۰ دقیقه	تاریخ : ۱۴۰۲/۳/۱۰
نام و نام خانوادگی	کلاس هفتم	شعبه		

غرقه شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم که ناگهان نوازش لطیف و خنکی را در لای انگشتان پاهای برهنه ام احساس کردم:آب ،جوشش چشمه ها!(درس دوم)

کسی در زندگی موفق است که اکنون و فرصت حال را دریابدو همیشه فکر کند که بهترین فرصت من امروزاست.امروز را به فردا افکندن کار درستی نیست.(درس هشتم)

شاگردانش می گویند به دو چیز علاقه مند بود،قرائت قران و مشاعره وقتی دیگران در مشاعره می ماندند سعید ادامه می داد ذهن او لبریز از سرودهای زیبا بود(درس نهم)

نخست برای زیارت حرم مطهر (س) دم در صحن از اتومبیل پیاده شدیم تازه ازدر داخل شده بودیم که یک پاره موج جمعیت، رجایی را از جا کند و برد برد ما به دنبال او، نزدیک بودند.زیر دست و پا بمانیم.(درس دهم)

در میان جمع ،گشاده رو بود در تنهایی ،سیمایی محزون و متفکّر داشت هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات چشم هایش را به زمین می دوخت.بیش از حد لزوم ،سخن نمی گفت واجازه نمی داد کسی جز در مقام دادخواهی ، در حضور او از دیگری بد بگوید و یا به کسی دشنام دهد.(درس دوازدهم)

برخلاف همه پاییزها که کلاس های درس مدارس و دانشگاه ها قفل بودنددر آن پاییز دانش آموزان به فرمان امام اعتصاب کرده بودند و به مدرسه و خیابان ها نمی رفتند(درس سیزدهم)

هنگامی که به این سخنرانی گوش می کردم ، فهمیدم که این شاگردان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهند کرد. این حرکت شکوهمند نمادین ،چیزی بود که برای همه عمر به یادآن ها می ماند و در ذهن آن ها نقش می بست.(درس هفدهم)